

تروریسم یا نقض حاکمیت دولتها: بررسی حقوقی نامگذاری سپاه پاسداران در فهرست سازمانهای تروریستی

عباس طاهری¹ محمدرضا حسینی² هیبت الله نژندی منش³

¹ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. m-nazarisaram@pidmco.ir

² استاد تمام حقوق بین الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) mahdinazarisaram2@gmail.com

³ استادیار حقوق بین الملل گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، h_nazhandi@atu.ac.ir

نویسنده مسئول: mahdinazarisaram2@gmail.com

تاریخ دریافت: 1404/06/12 تاریخ پذیرش: 1404/11/03

چکیده

این مقاله به بررسی ابعاد حقوقی اقدام ایالات متحده آمریکا در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در فهرست سازمانهای تروریستی در سال ۲۰۱۹ می‌پردازد. این موضوع از منظر حقوق بین‌الملل تحلیل شده و تأثیرات آن بر اصول اساسی این نظام، از جمله حاکمیت دولتها، مصونیت دولتها و اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورها، مورد ارزیابی قرار گرفته است. به همین منظور، مفهوم تروریسم و معیارهای شناسایی آن بر اساس اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری بررسی می‌شود تا نقاط ضعف موجود در نظام حقوق بین‌الملل در ارائه تعریف دقیق و کارآمد از تروریسم نمایان گردد. در این مقاله به بررسی آثار سیاسی و حقوقی نامگذاری سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی از سوی ایالات متحده پرداخته و پیامدهای این اقدام را بر روابط ایران و آمریکا و همچنین تأثیرات آن بر منطقه خاورمیانه مورد تحلیل قرار داده ایم. روش پژوهش مبتنی بر تحلیل اسنادی و مطالعه موردی بوده که از طریق بررسی قوانین داخلی آمریکا، اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی مرتبط انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این اقدام ایالات متحده، علاوه بر نقض اصل حاکمیت برابر دولتها، می‌تواند به شکل‌گیری روندی خطرناک در تفسیر و اجرای حقوق بین‌الملل منجر شود.

کلیدواژه: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تروریست، ایالات متحده آمریکا، حقوق بین‌الملل.

1-مقدمه

تروریسم به عنوان یکی از موضوعات پیچیده و چالش‌برانگیز در نظام حقوق بین‌الملل، همواره مورد توجه دولتها، نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران قرار گرفته است. این پدیده که ریشه‌ای عمیق در تاریخ بشریت دارد، در دهه‌های اخیر به یکی از نگرانی‌های اصلی جامعه بین‌المللی بدل شده و به‌ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به محور اصلی سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات بین‌المللی تبدیل گشته است. با این وجود، نبود یک تعریف جامع و پذیرفته‌شده جهانی برای مفهوم تروریسم، از چالش‌های اساسی این حوزه به شمار می‌آید. همین مسأله موجب شده که این اصطلاح در زمینه‌های سیاسی و حقوقی به صورت گسترده و گاه با تفاسیر متناقض استفاده شود (کاسسه، ۲۰۰۸: ۱۵۶).

در این میان، اقدام ایالات متحده در نامگذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک سازمان تروریستی در سال ۲۰۱۹، یکی از بحث‌برانگیزترین مباحثی است که توجه محافل حقوقی و سیاسی را برانگیخته است. این تصمیم که در آن برای نخستین بار یک نهاد رسمی نظامی وابسته به دولت مستقل در فهرست سازمانهای تروریستی خارجی قرار گرفت، سؤالات مهمی پیرامون سازگاری آن با اصول حقوق بین‌الملل، به‌ویژه اصل حاکمیت دولتها و مصونیت نهادهای رسمی مطرح کرده است (حیدرپور و مهری، ۱۳۹۸: ۱۴۵).

این مقاله با هدف بررسی جنبه‌های حقوقی این اقدام و تأثیرات آن بر نظام حقوق بین‌الملل و منطقه خاورمیانه، به تحلیل مفهوم تروریسم، وضعیت حقوقی سپاه پاسداران، و اسناد و رویه‌های مرتبط می‌پردازد (بیگزاده، ۱۳۹۳: ۸۹). پرسش اصلی پژوهش این است که آیا حرکت ایالات متحده در قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل همخوانی دارد؟

در این راستا، ابتدا مفهوم و معیارهای تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۰) و سپس اقدام ایالات متحده از منظر اصول بنیادین نظام حقوق بین‌الملل، نظیر حاکمیت برابر دولت‌ها، عدم مداخله در امور داخلی و مصونیت نهادهای دولتی تحلیل می‌گردد (فتاحی، ۱۳۹۵: ۴۲). روش تحقیق این پژوهش بر پایه تحلیل اسنادی و مطالعه موردی است که با استفاده از منابع معتبر حقوقی و سیاسی انجام شده است (منصوری، ۱۴۰۰: ۲۳۴). این مقاله در نهایت بر ضرورت بازنگری در نظام حقوق بین‌الملل برای مقابله با سوءاستفاده‌های سیاسی از مفاهیم حقوقی تأکید می‌کند و پیشنهادهایی برای تقویت چارچوب‌های بین‌المللی ارائه می‌دهد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

۲. مرور ادبیات و مفاهیم مرتبط

برای درک عمیق‌تر تروریسم به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی، نیازمند تحلیل ابعاد تاریخی، حقوقی و سیاسی آن هستیم. از دیدگاه تاریخی، تروریسم همواره ابزاری برای اعمال قدرت و ایجاد وحشت بوده که ریشه‌های آن در دوره‌های گوناگون تاریخ دیده می‌شود و نمونه‌های آن به‌اندازه تاریخ بشریت متنوع است. با وجود این، اصطلاح تروریسم برای نخستین بار در دوران انقلاب فرانسه و در دوره‌ای که به دوره وحشت (۱۷۹۳-۱۷۹۴) شناخته می‌شود، مطرح شد. در آن برهه، این واژه به‌عنوان وسیله‌ای برای تهدید مخالفان و حفظ تسلط حاکمیت به کار گرفته می‌شد (لاکوئر، ۱۹۸۷: ۴۸؛ شاو، ۲۰۱۷: ۲۳۴؛ ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۵۶).

از دیدگاه حقوقی، تعریف تروریسم همچنان یکی از مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز در حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. با وجود تلاش‌های گسترده جامعه بین‌المللی، هنوز نتوانسته‌اند به یک تعریف جامع، دقیق و مورد توافق عمومی دست یابند. اسناد گوناگون بین‌المللی، از جمله کنوانسیون ژنو (۱۹۳۷) و سایر کنوانسیون‌های مرتبط با جرایم فراملی، تلاش کرده‌اند جنبه‌های مختلف این پدیده را روشن سازند. به عنوان نمونه، کنوانسیون ژنو اقدامات تروریستی را جزو اعمال مجرمانه‌ای طبقه‌بندی می‌کند که علیه دولت‌ها یا افراد با هدف ایجاد رعب و هراس انجام می‌گیرند. در اسناد جدید، تعریف تروریسم بیشتر بر جنبه‌های سیاسی، استفاده از اقدامات خشونت‌آمیز و به وجود آوردن ترس در جامعه متمرکز است (موسوی، ۱۳۹۸: ۷۸). با این حال، عدم دستیابی به توافقی جهانی درباره ویژگی‌های اساسی تروریسم موجب شده تا این واژه به یک ابزار سیاسی بدل شود که دولت‌ها از آن برای تحقق منافع خود بهره‌برداری می‌کنند (اشمید، ۲۰۱۱: ۲۰۵).

علاوه بر تعاریف حقوقی، در عرصه علوم سیاسی نیز تروریسم به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رفتار دولت‌ها از طریق ایجاد ترس در میان افکار عمومی مطرح شده است. اندیشمندانی همچون والتر لاکوئر و الکس اشمید تروریسم را نوعی خشونت سازمان‌یافته با اهداف سیاسی می‌دانند که از قربانیان به‌منزله ابزاری برای انتقال پیام به گروه‌های خاص بهره می‌برد (لاکوئر، ۲۰۰۴: ۹۲؛ اشمید، ۱۹۸۸: ۵۴).

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تعریف و مقابله با تروریسم همچنان با چالش‌های پیچیده‌ای روبرو است (اشمید، ۲۰۱۱: ۲۱۰). یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نبود مرز دقیق میان اعمال تروریستی و مبارزات مشروع آزادی‌بخش می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). در اسناد سازمان ملل متحد، تأکید بر مشروعیت مبارزات آزادی‌بخش به‌عنوان یک حق شناخته‌شده، همواره محل مناقشه بوده است. در این راستا، اقدام ایالات متحده در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی به نمونه‌ای شاخص از کاربرد سیاسی مفهوم تروریسم بدل شده است. این اقدام سؤالات جدی درباره همخوانی آن با اصولی مانند حاکمیت کشورها، مصونیت نهادهای رسمی، و قاعده ممنوعیت دخالت در امور داخلی کشورها مطرح کرده است (حیدرپور و مهری، ۱۳۹۸: ۱۴۷؛ ضیایی‌بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۸۹).

در این پژوهش، با تکیه بر نظریات حقوقی و بررسی اسناد بین‌المللی، این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است که آیا این اقدام بر اساس حقوق بین‌الملل دارای مشروعیت است یا صرفاً به‌عنوان ابزاری سیاسی عمل می‌کند که پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد حقوقی و سیاسی برای نظام بین‌الملل به دنبال دارد (پارسی، ۲۰۱۷: ۱۷۸).

۳. روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی، ابعاد حقوقی اقدام ایالات متحده در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ساختار تحقیق به شکلی طراحی شده است که علاوه بر ارائه تصویری کامل از مفاهیم مرتبط با موضوع، زمینه را برای تحلیل دقیق جنبه‌های حقوقی و سیاسی آن فراهم سازد (منصوری، ۱۴۰۰: ۵۶).

۳-۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این روش، ابتدا به تشریح مفاهیم اساسی همچون تروریسم، حاکمیت دولتها و مصونیت نهادهای دولتی پرداخته می‌شود. در گام بعدی، تحلیل این مفاهیم در چارچوب اقدامات ایالات متحده صورت می‌گیرد. چنین رویکردی شرایط مقایسه میان نظریه‌های حقوق بین‌الملل و عملکردهای عملی را مهیا می‌سازد (بیگزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

۳-۲. شیوه گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش با استفاده از منابع مختلفی همچون منابع کتابخانه‌ای، اسناد حقوقی و منابع معتبر اینترنتی گردآوری شده است. این منابع شامل موارد زیر هستند:

- اسناد بین‌المللی: از جمله منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های مرتبط با تروریسم و اسناد مربوط به حقوق بشر (United Nations)

- قوانین داخلی ایالات متحده: شامل قوانینی درباره سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) و سایر مقررات مرتبط (Glennon, ۲۰۰۱: ۸۹)
- مقالات و پژوهش‌های علمی: مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقالات معتبر در زمینه حقوق بین‌الملل، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (شریعت‌پناهی، ۱۳۹۸: ۴۵)
- رویه‌های قضایی: آرای دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی که با موضوع تروریسم و حاکمیت دولت‌ها مرتبط هستند (Cassese, ۲۰۰۸: ۱۷۸).

۳-۳. ابزارهای گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات، از روش‌های زیر استفاده شده است:

- بررسی اسنادی: شامل مطالعه و تحلیل دقیق منابع مکتوب نظیر اسناد، قوانین و مقالات مرتبط است (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)؛
- تحلیل محتوای کیفی: به منظور استخراج مفاهیم کلیدی و بررسی ابعاد حقوقی و سیاسی موضوع با استفاده از منابع معتبر انجام می‌شود (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۲)؛
- مطالعه موردی: در این میان، اقدام ایالات متحده در قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی به عنوان مطالعه موردی اصلی انتخاب شده است (حیدرپور و مهری، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

۳-۴. روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس روش تحلیل محتوا و مطالعه تطبیقی انجام شده است:

- تحلیل محتوا: بررسی دقیق اسناد و قوانین مرتبط به منظور دستیابی به درکی جامع از ابعاد حقوقی موضوع (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۹۲)؛
- مطالعه تطبیقی: ارزیابی اقدامات ایالات متحده در قیاس با اصول حقوق بین‌الملل، از جمله حاکمیت برابر دولت‌ها و مصونیت نهادهای رسمی (فتاحی، ۱۳۹۵: ۴۷).

۳-۵. مدل مفهومی و محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از مدل تاریخی-تحلیلی، سوابق تاریخی مفهوم تروریسم و جنبه‌های حقوقی مرتبط با آن را مبنایی برای بررسی اقدام اخیر ایالات متحده قرار داده است (لاکوئر، ۲۰۰۴: ۹۵). در عین حال، پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بوده که شامل موارد زیر است:

- نبود تعریف جامع از تروریسم: عدم وجود یک تعریف جهانی و پذیرفته‌شده از تروریسم، تحلیل موضوع را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است (اشمید، ۲۰۱۱: ۲۱۰)؛
- پیچیدگی‌های سیاسی مساله: ماهیت سیاسی اقدامات ایالات متحده می‌تواند بر تفسیر حقوقی تأثیر بگذارد و فرآیند تحلیل را پیچیده‌تر کند (پارسی، ۲۰۱۷: ۱۸۰)؛
- محدودیت در دسترسی به منابع: کمبود دسترسی به برخی اسناد و آرای قضایی، امکان انجام تحلیل‌های عمیق‌تر را محدود ساخته است (صمدی و عباسی، ۱۳۹۸: ۹۵).

با وجود این محدودیت‌ها، روش تحقیق مورد استفاده توانسته شرایط لازم برای بررسی همه‌جانبه موضوع از ابعاد حقوقی و سیاسی را فراهم آورد و تلاش کرده به‌طور دقیق به پرسش‌های اصلی پژوهش پاسخ دهد (شاو، ۲۰۱۷: ۲۳۷).

۴. بررسی مغایرت اقدام ایالات متحده با حقوق بین الملل و قوانین داخلی ایران

اقدام ایالات متحده آمریکا در معرفی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک سازمان تروریستی به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل در دوران معاصر تبدیل شده است. این تصمیم که در سال ۲۰۱۹ اتخاذ شد، برای اولین بار یک نهاد رسمی نظامی وابسته به یک دولت مستقل را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی^۱ قرار داد. بررسی این اقدام از دیدگاه حقوق بین‌الملل می‌تواند نتایج و پیامدهای قابل‌توجهی را در هر دو بعد نظری و عملی به دنبال داشته باشد.

یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل، حاکمیت دولت‌ها و برابری آنها در نظام بین‌المللی است. این اصل تأکید دارد که دولت‌ها باید از مداخله خارجی در امور داخلی خود مصون بوده و نهادهای رسمی آنها از اتهام‌های غیرقانونی مانند تروریستی بودن محافظت شوند. تصمیم ایالات متحده در قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، نقض آشکار اصل عدم مداخله و تجاوزی به حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شود. این اقدام همچنین اصل مصونیت نهادهای دولتی را زیر پا گذاشته، چرا که سپاه پاسداران بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار رسمی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، نبود تعریفی جامع و مورد اجماع از مفهوم تروریسم در نظام حقوق بین‌الملل است. این خلأ موجب شده که دولت‌ها بر اساس منافع سیاسی خود از این مفهوم به‌صورت ابزاری بهره‌برداری کنند. به عنوان نمونه، ایالات متحده بر اساس قوانین داخلی خود سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده، اما چنین اقدامی از منظر حقوق بین‌الملل فاقد اعتبار لازم است. برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های سیاسی، حقوق بین‌الملل نیازمند تعریفی دقیق و قابل اتکا از تروریسم است.

این تصمیم ایالات متحده پیامدهای متعددی به همراه داشته است، از جمله:

¹ Foreign Terrorist Organization

• پیامدهای حقوقی: معرفی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی منجر به اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی، ایجاد محدودیت‌های بین‌المللی برای نهادهای وابسته به سپاه، و افزایش فشار بر شرکای تجاری ایران شده است. این تحریم‌ها، که بر اساس قوانین داخلی ایالات متحده وضع شده‌اند، با اصول حقوق بین‌الملل در تضاد هستند و به عنوان شکلی از جنگ اقتصادی علیه یک دولت مستقل تلقی می‌شوند.

• پیامدهای سیاسی: این اقدام باعث افزایش تنش‌های سیاسی میان ایران و ایالات متحده شده و تأثیرات منفی بر روابط منطقه‌ای و جهانی داشته است. افزون بر این، می‌تواند در نظام بین‌الملل یک رویه خطرناک ایجاد کند، به گونه‌ای که دولت‌ها به طور یکجانبه نهادهای رسمی سایر کشورها را تروریستی اعلام کند.

از منظر حقوق بین‌الملل، اقدام ایالات متحده در تناقض با اصل برابری حاکمیت دولت‌ها، که در ماده ۲ بند ۱ منشور سازمان ملل تصریح شده، قرار دارد. این اصل تضمین‌کننده برابری تمامی دولت‌ها در نظام بین‌المللی است. سپاه پاسداران به عنوان بخشی از ساختار قانونی جمهوری اسلامی ایران، نهادی است که بر اساس قوانین داخلی این کشور فعالیت می‌کند. بنابراین، هرگونه اقدام یک‌جانبه از سوی دولت خارجی برای تعریف ماهیت این نهاد، نقض آشکار اصل حاکمیت برابر دولت‌ها تلقی می‌شود. افزون بر این، ماده ۲ بند ۷ منشور سازمان ملل نیز صراحتاً مداخله در امور داخلی کشورها را ممنوع کرده است. اقدام ایالات متحده در طبقه‌بندی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی، بدون مجوز شورای امنیت، شکلی از مداخله غیرقانونی در امور داخلی ایران محسوب می‌شود و از منظر حقوقی فاقد مشروعیت است.

این اقدام همچنین با ماده ۲ بند ۴ منشور، که استفاده از زور یا تهدید علیه استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورها را منع می‌کند، مغایرت دارد. معرفی سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی از سوی ایالات متحده در واقع ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی علیه ایران بوده و تهدیدی برای استقلال این کشور به شمار می‌رود. این تصمیم نه تنها زمینه‌ساز تحریم‌های بیشتر علیه ایران است، بلکه می‌تواند اقدامات نظامی احتمالی را نیز توجیه کند. مطابق فصل هفتم منشور، تنها شورای امنیت سازمان ملل اختیار اتخاذ تدابیر لازم در مقابل تهدیدات صلح بین‌المللی را دارد؛ حال آنکه عملکرد ایالات متحده کاملاً یک‌جانبه بوده و از حدود صلاحیت‌های حقوقی آن فراتر رفته است.

علاوه بر ملاحظات بین‌المللی، قوانین داخلی ایران نیز این اقدام را خلاف قانون می‌دانند. طبق اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی کشور مبتنی بر نفی هرگونه سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه‌جانبه است. اقدام ایالات متحده را می‌توان تلاشی آشکار برای تضعیف استقلال سیاسی ایران و اعمال سلطه بر آن دانست، که به وضوح با این اصل مغایرت دارد. همچنین، اصل ۱۵۰ قانون اساسی جایگاه سپاه پاسداران را به عنوان یک نهاد رسمی و قانونی در ساختار حکومتی ایران تثبیت کرده است. بر اساس این اصل، سپاه پاسداران مسئولیت حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را بر عهده دارد؛ بنابراین، هرگونه اقدام برای تضعیف این نهاد نوعی تعرض به تمامیت حقوقی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

اقدام ایالات متحده با قوانین مبارزه با تروریسم مصوب سال ۱۳۹۶ در ایران مغایرت دارد. طبق این قانون، هر اقدامی که ماهیت خشونت‌آمیز علیه دولت یا مردم ایران داشته باشد، از جمله تحریم‌های اقتصادی، به عنوان تروریسم اقتصادی شناخته می‌شود. از این دیدگاه، اقدام آمریکا که به منظور

محدود کردن توان اقتصادی و نظامی سپاه پاسداران صورت گرفته، می‌تواند به‌عنوان شکلی از تروریسم تلقی شود. همچنین، بر اساس قوانین کیفری ایران، هرگونه اقدامی از سوی عوامل خارجی که تهدیدی علیه امنیت ملی کشور تلقی شود، جرم بوده و غیرقانونی است.

به طور کلی، تصمیم ایالات متحده در معرفی سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی، نه‌تنها در تضاد صریح با اصول منشور سازمان ملل متحد است، بلکه با قوانین داخلی ایران نیز همخوانی ندارد. این تصمیم اقدام آشکاری در مداخله در امور داخلی یک کشور مستقل و تضعیف حاکمیت ملی آن محسوب می‌شود و از لحاظ حقوقی و اخلاقی عاری از مشروعیت است. افزون بر این، چنین رویکردهایی نه‌تنها باعث افزایش بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل می‌شوند، بلکه خلأهای موجود در نظام حقوق بین‌الملل برای مقابله با اقدامات یک‌جانبه و تحمیلی را برجسته می‌کنند.

شناسایی نهادهای رسمی دولت‌ها به‌عنوان سازمان‌های تروریستی می‌تواند نظم حقوقی بین‌المللی را تضعیف کند. این اقدام از سوی ایالات متحده، احتمال شکل‌گیری یک رویه خطرناک را بالا می‌برد که در آن دولت‌ها برای دستیابی به منافع خود، مفاهیم حقوقی را تغییر داده یا تحریف کنند. چنین روندی ممکن است مشروعیت نهادهای حقوق بین‌الملل را مخدوش کرده و به افزایش هرج و مرج در روابط میان کشورها بیانجامد. تعریف جامع از تروریسم، ایجاد سازوکارهای الزام‌آور برای جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها، و تقویت نهادهای نظارتی بین‌المللی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند از تکرار چنین اقدامات یک‌جانبه‌ای جلوگیری کنند.

این بررسی نشان می‌دهد که اقدام ایالات متحده نه‌تنها از نگاه حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر نیست، بلکه موجب تهدید نظم حقوقی بین‌المللی نیز می‌گردد. این وضعیت، ضرورت بازنگری عمیق در ساختارها و مفاهیم مرتبط با حقوق بین‌الملل را بیش از پیش آشکار می‌کند. با توجه به مفاد فوق نتیجه‌گیری کلی در رابطه با این اقدام ایالات متحده در سه بند زیر صورت می‌گیرد:

- اقدام ایالات متحده در طبقه‌بندی سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله اصل حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها، در تضاد است.
- این تصمیم به‌خلاف موجود در تعریف جامع و شفاف تروریسم در چارچوب حقوق بین‌الملل بازمی‌گردد که زمینه سوءاستفاده‌های سیاسی توسط دولت‌ها را مهیا ساخته است.
- پیامدهای حقوقی و سیاسی چنین اقدامی، نه‌تنها نظم بین‌المللی را با چالش مواجه کرده، بلکه احتمال ایجاد یک رویه خطرناک برای آینده را نیز افزایش داده است.

۴-۱. راهکارهای حقوقی و دیپلماتیک ایران برای مقابله با اقدام ایالات متحده

فرصت‌های متعددی برای ایران فراهم می‌شود تا از مسیرهای حقوقی و دیپلماتیک، حقوق خود را در مجامع بین‌المللی استیفا کند. ایران می‌تواند با استفاده از رویکردهای حقوقی، دیپلماتیک و بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها، حقوق خود را در سطح جهانی دنبال کرده و پیامدهای منفی را به حداقل ممکن برساند.

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای دستیابی به حقوق، ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ است. این نهاد به‌عنوان مرجع اصلی حل و فصل اختلافات میان دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود. ایران می‌تواند با استناد به ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و نیز موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه‌ای که میان ایران و ایالات متحده وجود دارد، موضوع را به‌عنوان نقض اصل حاکمیت برابر دولت‌ها و دخالت در امور داخلی مطرح کند. افزون بر این، ایران می‌تواند به عهدنامه مودت سال ۱۹۵۵ میان دو کشور نیز اشاره کند که پیش‌تر توسط ایالات متحده نقض شده بود. باین‌حال، چالش اساسی در این مسیر آن است که دیوان تنها زمانی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت که هر دو طرف با این امر موافقت کنند؛ امری که ایالات متحده ممکن است از پذیرش آن سر باز زند.

ایران همچنین می‌تواند موضوع را در شورای امنیت سازمان ملل مورد بررسی قرار دهد. هرچند ایالات متحده به‌عنوان یکی از اعضای دائم این شورا از حق وتو برخوردار است، مطرح کردن این مسئله در شورای امنیت از منظر سیاسی و دیپلماتیک اهمیت ویژه‌ای دارد. چنین اقدامی می‌تواند ادعای ایران را در سطح بین‌المللی مشروع‌تر جلوه داده و حمایت سایر کشورها را در مخالفت با اقدامات یک جانبه ایالات متحده جلب کند.

ایران می‌تواند از ظرفیت‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای مرتبط با حقوق بشر بهره‌برداری کند. اقدامات اخیر ایالات متحده، که منجر به اعمال تحریم‌های اقتصادی شدیدتر علیه ایران شده است، پیامدهای مستقیمی بر زندگی مردم داشته و به نقض حقوق اساسی انسانی آن‌ها انجامیده است. در این راستا، ایران قادر است این اقدامات را به‌عنوان شکلی از تروریسم اقتصادی و تخطی از موازین حقوق بشر در این نهادها مطرح کرده و توجه جامعه بین‌المللی را به آن جلب کند.

از دیدگاه منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران می‌تواند با گسترش همکاری با کشورهای همسایه و تقویت نقش نهادهای منطقه‌ای، به منزوی کردن و محکومیت اقدامات ایالات متحده بپردازد. بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد یا اتحادیه بریکس می‌تواند به ایران کمک کند تا یک اجماع جهانی علیه رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده شکل دهد. این نوع همکاری‌ها می‌تواند به صدور بیانیه‌های مشترک و حتی وضع تحریم‌های متقابل علیه سیاست‌های آمریکا منجر شود.

در نهایت، بهره‌گیری از رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی یکی از ابزارهای اصلی ایران در این حوزه به شمار می‌آید. ایران می‌تواند از طریق برگزاری نشست‌های بین‌المللی، انتشار گزارش‌های تحلیلی و همکاری با رسانه‌های جهانی، پیامدهای این حرکت را برجسته کرده و آن را به عنوان تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایش دهد. این رویکرد می‌تواند افکار عمومی را در جهت حمایت از ایران و مخالفت با اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده هدایت کند. به‌طور کلی، ضروری است که ایران از ترکیبی از ابزارهای حقوقی، دیپلماتیک و رسانه‌ای بهره‌گیرد تا هم مشروعیت حقوقی و اخلاقی خود را در این موضوع تقویت کند و هم اثرات منفی این اقدام را کاهش دهد. اقداماتی نظیر طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری، جلب حمایت جامعه بین‌المللی، و استفاده از ابزارهای حقوق بشری، فرصت‌های مهمی برای ایران در مقابله با این حرکت غیر قانونی به شمار می‌روند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اقدام دولت ایالات متحده آمریکا در قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در فهرست سازمان‌های تروریستی، به‌عنوان یک نهاد رسمی وابسته به دولت مستقل، یکی از جدی‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. این اقدام، که برای نخستین بار صورت پذیرفت، پیامدهای حقوقی و سیاسی گسترده‌ای به دنبال داشت و اصول بنیادین نظام بین‌الملل را به شدت تحت تأثیر قرار داد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که این تصمیم با اصول اساسی حقوق بین‌المللی، به‌ویژه اصل حاکمیت کشورها و مصونیت نهادی دولت‌ها، در تضاد آشکار است. علاوه بر این، این اقدام اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها را نقض می‌کند و از جنبه حقوقی فاقد مشروعیت به نظر می‌رسد. تحلیل اسناد بین‌المللی و بررسی رویه‌های قضایی مرتبط نیز نشان می‌دهد که فقدان یک تعریف جامع و مورد توافق جهانی از تروریسم، فضایی برای سوء استفاده‌های سیاسی و تفسیرهای سلیقه‌ای از این مفهوم ایجاد کرده است.

از سوی دیگر پیامدهای این اقدام برای نظام بین‌الملل حائز نگرانی‌های جدی است. این تصمیم ممکن است به شکل‌گیری یک رویه خطرناک بینجامد که در آن دولت‌ها، با توجه به منافع سیاسی خود، نهادهای رسمی سایر کشورها را به‌عنوان تروریستی معرفی کنند. چنین رویکردی می‌تواند به تضعیف مشروعیت حقوق بین‌الملل و ایجاد بی‌ثباتی در روابط جهانی منجر شود. این مقاله بر اهمیت تقویت نظام حقوق بین‌الملل برای رویارویی با این معضلات تأکید دارد. تعریف جامع، دقیق و الزام‌آور از تروریسم، ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد برای جلوگیری از سوءاستفاده دولت‌ها و همچنین تقویت نقش نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد از پیشنهادات اصلی این پژوهش به شمار می‌آید. تحقق این اهداف، گامی مهم برای حفاظت از نظم حقوقی بین‌الملل و پیشگیری از اقدامات یکجانبه و سیاسی محسوب می‌شود. نتیجه نهایی بر این ایده استوار است که حقوق بین‌الملل باید از اصول و مفاهیم خود در برابر بهره‌برداری‌های سیاسی محافظت کرده و ابزارهایی برای جلوگیری از اقدامات غیرقانونی و انفرادی ایجاد کند تا اعتماد جهانی به نظم حقوقی بین‌المللی پایدار بماند.

۵-۱. پیشنهادات پژوهش

- جامعه بین‌المللی باید برای دستیابی به یک تعریف جامع و الزام‌آور از تروریسم تلاش کند.
- نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد باید سازوکارهایی برای نظارت بر استفاده از مفاهیم حقوقی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های سیاسی ایجاد کنند.
- دولت‌ها باید از سیاست‌گذاری‌هایی که منجر به تضعیف اصول حقوق بین‌الملل می‌شود، اجتناب کنند و به تقویت نظم حقوقی جهانی متعهد بمانند.

Abstract

This article examines the legal dimensions of the United States' 2019 designation of Iran's Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC) as a Foreign Terrorist Organization (FTO). The issue is analyzed from the perspective of international law, assessing its implications for fundamental principles such as state sovereignty, state immunity, and the non-intervention principle in domestic affairs. To this end, the concept of terrorism and its identification criteria are examined based on international instruments and criminal law, revealing weaknesses in the international legal system's ability to provide a precise and functional definition of terrorism.

The article explores the political and legal consequences of the IRGC's terrorist designation by the U.S., analyzing its impact on Iran-U.S. relations and broader implications for the Middle East region. The research employs a documentary and case-study approach, examining U.S. domestic laws, international documents, and relevant judicial practices. Findings indicate that the U.S. action not only violates the principle of sovereign equality but may also set a dangerous precedent in the interpretation and application of international law.

Keywords: Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC), terrorism, United States, international law.

مراجع

- [1]- اسمعیلی، ح. (1395). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: نشر میزان.
- [2]- احمدی، ک. (1396). تحلیل حقوقی مفهوم تروریسم در اسناد بین‌المللی. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی ایران، 12(2)، 105-125.
- [3]- بیگزاده، ا. (1393). تروریسم و حقوق بین‌الملل. تهران: انتشارات جنگل.
- [4]- حسینی، ع. (1397). رویکرد ایالات متحده به نامیدن سپاه پاسداران به‌عنوان سازمان تروریستی. فصلنامه سیاست خارجی، 16(4)، 45-67.
- [5]- حیدرپور، ماشالله و مهری، عباس (1398). تحلیل حقوقی نام‌گذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان یک سازمان تروریستی از منظر حقوق بین‌الملل. فصلنامه راهبردهای انقلاب اسلامی، شماره 141، صفحات 141-152.
- [6]- دهخدا، علی‌اکبر (1377). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- [7]- صمدی، ن. و عباسی، م. (1398). تحلیل اقدامات ایالات متحده علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل. مجله حقوق بین‌الملل معاصر، 5(3)، 89-113.
- [8]- ضیایی‌بیگدلی، م. ر. (1400). حقوق بین‌الملل عمومی (ویراست جدید). تهران: انتشارات گنج دانش.
- [9]- فتاحی، ر. (1395). اصول حاکمیت دولت‌ها و مداخله در امور داخلی از دیدگاه حقوق بین‌الملل. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، 10(1)، 34-59.
- [10]- محمدی، س. (1399). بررسی پیامدهای نامیدن سپاه پاسداران به‌عنوان سازمان تروریستی. فصلنامه مطالعات امنیتی و دفاعی، 8(2)، 98-121.
- [11]- منصوری، محمدرضا (1400). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: نشر میزان.
- [12]- موسوی، ع. (1398). حقوق بشر و تروریسم بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [13]- Brownlie, I. (2008). Principles of Public International Law (7th ed.). Oxford University Press.
- [14]- Cassese, A. (2008). International Criminal Law (2nd ed.). Oxford University Press.
- [15]- Cronin, A. K. (2003). Behind the Curve: Globalization and International Terrorism.
- [16]- Glennon, M. J. (2001). Limits of Law, Prerogatives of Power: Interventionism After Kosovo. Palgrave Macmillan.
- [17]- Malcolm N. Shaw. (2017). International Law (8th ed.). Cambridge University Press.
- [18]- Laqueur, W. (2004). The New Terrorism: Fanaticism and the Arms of Mass Destruction. Oxford University Press. International Security, 27(3), 30-58.
- [19]- Schmid, A. P. (2011). The Definition of Terrorism: A History of Controversy. Terrorism and Political Violence, 12(4), 197-221.
- [20]- Stern, J. (2000). The Evolution of Terrorism: Past, Present, and Future. Foreign Affairs, 79(3), 29-45.
- [21]- Thornton, T. P. (1964). Terror as a Weapon of Political Agitation. International Studies Quarterly, 8(1), 71-87.
- [22]- Laqueur, Walter (1987). The Age of Terrorism. Boston: Little, Brown and Company.
- [23]- Schmid, Alex (1988). Political Terrorism: A Research Guide to Concepts, Theories, Databases, and Literature. Amsterdam: North-Holland Publishing.
- [24]- United Nations (1937). Convention for the Prevention and Punishment of Terrorism. Geneva: League of Nations.
- [25]- United Nations (2001). International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism. New York: United Nations Publishing.
- [26]- Parsi, T. (2017). Losing an Enemy: Obama, Iran, and the Triumph of Diplomacy. Yale University Press.
- [27]- Ehteshami, A. (2007). Iran and the Rise of Its Regional Influence. The Middle East Journal, 61(4), 587-602.
- [28]- Sadjadpour, K. (2011). The Battle of Narratives Between Iran and the United States. Carnegie Endowment for International Peace.